

نامه جامعه
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی
سال شانزدهم - شماره ۱۲۷ - پاییز ۱۳۹۷

بررسی و پاسخ به شبهه کم محتوا بودن قرآن با محوریت کتاب نقد قرآن

سکینه آخوند^۱

هاجر جواد^۲

چکیده

قرآن کریم کلام الهی، معجزه جاوید پیامبر اکرم ﷺ و دریای بیکران معارف الهی است که طراوت و تازگی آن در هر عصری نمایان است؛ اما معاندان با استناد به آیات قرآن کریم، شبهاتی را مطرح کرده‌اند تا با ادعای اقتباس از فرهنگ عصر پیامبر ﷺ و تکرار همان مطالب کتب پیشین، کم محتوا بودن معارف قرآن و انسانی بودن آن را اثبات کنند. طرح این شبهه‌ها، سبب تضعیف باورهای ایمانی و اعتقادی برخی از افراد جامعه شده است. بنابراین، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و به منظور رفع شبهات و دفاع از ساحت مقدس قرآن کریم، پاسخ به این شبهات را مد نظر قرار داده است. یافته‌های پژوهش با توجه به تحلیل آیات نشان می‌دهد قرآن به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد و معارف عمیق و ژرف آن، به هیچ روی نمی‌تواند برگرفته از محیط منحن عربستان یا اقتباس از کتب آسمانی تحریف شده پیشین باشد؛ بلکه محتوایی بسیار گسترده‌تر و فصاحت و بلاغت والایی را ارائه می‌دهد و این امر، نشانگر استواری، حقانیت و الهی بودن آن است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل انتقادی، شبهه، آیات قرآن، ویژگی‌های قرآن، محتوای قرآن

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن؛ مدرس جامعه الزهرا ﷺ s.akhoond@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد رشته علوم قرآن h.javadi1412@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم، کتاب هدایت همه انسان‌ها در همه اعصار است و خدای سبحان پیامبری را به رسالت مبعوث کرد که رسالت او جهان شمول، ابدی و کتاب او جهانی است. برخلاف نارسایی‌های ویرانگر در متون دینی ادیان دیگر، متن قرآن کریم و محتوای معارف آن، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که نشان از استواری و حقایق آن است.

مخالفان اسلام از همان آغاز نزول قرآن و بعثت پیامبر ﷺ شبهاتی را به قرآن وارد کرده‌اند و فصاحت و بلاغت قرآن را زیر سؤال برده‌اند و کوشیده‌اند از اعتبار آن بکاهند و الهی بودن آن را مورد خدشه و پرسش قرار دهند، تا امروز نیز طرح این چالش‌ها ادامه دارد. درباره رفع شبهه محتوای قرآن پژوهش اندکی صورت گرفته است؛ برخی از این پژوهش‌ها عبارت است:

- کتاب *دفاع از قرآن* توسط وب‌سایت بازاندیش و کتاب *پاسخ‌هایی به کتاب «نقد قرآن»* توسط احمد عابدینی تألیف شده است که در ابتدا شبهه را مطرح کرده و بعد در جواب این شبهات توضیحات مختصری را مطرح نموده‌اند.

- در کتاب *توطئه جدید: پاسخ به شبهات قرآن* نوشته ناصر مکارم شیرازی به شبهه مشکل محتوایی قرآن به صورت مختصر اشاره شده است.

- محمد باقر سعیدی روشن در کتاب *تحلیل زبان قرآن* در فصل پنجم به محتوای قرآن کریم پرداخته است.

کتاب *دفاع از قرآن* در رد کتاب *نقد قرآن* نوشته محمد باقر حیدری نسب بحث شبهه محتوای قرآن را بیان می‌کند.

آنچه این پژوهش را از دیگر آثار متمایز می‌کند، این است که در بیشتر آثار، پاسخ‌ها به اجمال آورده شده است. پاسخ‌های مطرح شده توسط دیگران عمدتاً بر اساس مبانی دینی است؛ اما در این پژوهش سعی شده بر اساس مبانی عقلی نیز به رفع شبهه مبادرت شود تا مخاطب با هر دین و عقیده‌ای را قانع کند.

بیان مسئله

قرآن کریم، وحی و معجزه جاودان و سند نبوت پیامبر اکرم ﷺ است که از دگرگونی و تحریف مصون مانده است و با آنکه چهارده قرن از تاریخ نزول آن می‌گذرد، در آیات و عبارات آن، تغییر و تبدیلی صورت نگرفته؛ چرا که خدای متعال حراست و صیانت آن را خود عهده‌دار گردیده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹). خدا هدف اصلی نزول قرآن را هدایت انسان‌ها ذکر کرده است. بنابراین، در مبنا و محتوای آن هیچ شبهه و کژی وجود ندارد: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي عِوَجٍ»؛ قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی» (زمر: ۲۸).

اما در برخی کتاب‌ها که به طور عمد در دوره معاصر از سوی معاندان و مخالفان اسلام نگاشته شده است، دشمنان و معاندان قرآن شبهاتی را به شیوه‌های گوناگون به متن و محتوای قرآن کریم وارد کرده‌اند. آن‌ها ادعا می‌کنند که قرآن کریم، کلام بشر است و دارای محتوای سطحی و برگرفته از محیط معاصر پیامبر و تورات و انجیل می‌باشد. از آنجا که این گونه اشکالات مطرح شده سبب تردید برخی افراد می‌شود، ضرورت دارد به این شبهات پاسخ داده شود. در نوشتار حاضر از رهگذر تبیین آیات قرآن کریم به این شبهات پاسخ مستدل داده خواهد شد.

۱. شبهه سطحی بودن محتوای قرآن

۱-۱. طرح شبهه

معاندان در کتاب نقد قرآن، شبهاتی را بیان کرده و قرآن را از لحاظ محتوایی ضعیف معرفی کرده‌اند. ادعای آن‌ها این گونه است: «قرآن کتابی با محتوای کم و سطحی است. به مطالب متنوع در سطح فهم عوام زمان [حضرت] محمد و محیط عربستان اشاره کرده، بدون استدلال و تعمق کافی. برای مثال، وقتی از [حضرت] محمد پرسیده می‌شود که چرا ماه شکل‌های متنوع دارد؟ او در قرآن می‌گوید: برای اینکه شما عدد سنین (سال‌ها) و حساب را داشته باشید. اگر امروز همین سؤال از یک دانش‌آموز پرسیده شود، خواهد گفت که چون قسمت‌های مختلفی از ماه به سمت خورشید است. ولی [حضرت] محمد اصلاً چنین چیزی را نمی‌دانسته است. بنابراین، جواب بسیار عوامانه‌ای داده است» (سها، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

۱-۲. پاسخ شبیهه

آیه ۱۸۹ سوره مبارکه بقره درباره سؤال پرسش‌کنندگان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون فایده اشکال مختلف ماه است؛ اما معاندان از روی ناآگاهی از معارف عمیق قرآن دچار اشتباه شده و ادعا دارند که سؤال درباره چگونگی شکل ماه بوده است.

برای پاسخ به ایراد وارد شده از سوی معاندان، ابتدا به آیه مورد استناد توسط آنان اشاره می‌شود. آیه مورد استناد آن‌ها، آیه ۱۸۹ سوره بقره است که می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ؛ درباره هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: آن‌ها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است».

شان نزول آیه مورد استناد مربوط به گروهی است که در مورد «هلال» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسش‌هایی مطرح می‌کردند و از علت و فواید و اشکال مختلفی که ماه به خود می‌گیرد، جو یا می‌شدند. خداوند در پاسخ این سؤال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که آثار و فواید «هلال» را بیان کند (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴۶).

معاندان شبهات خود را با استناد به آیه ۱۸۹ از سوره مبارکه بقره مطرح کرده‌اند، از آنجا که با بررسی دقیق آیه به شبیهه نیز پاسخ داده می‌شود، لازم دانسته شد که بررسی کامل آیه با توجه به تفاسیر در قسمت پاسخ شبیهه پرداخته شود.

همان‌طور که در شان نزول گفته شد، گروهی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره علت و فواید و وضع خاصی که ماه به خود می‌گیرد، پرسش‌هایی می‌کردند که قرآن سؤال آن‌ها را به این صورت بیان می‌کند: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ»، واژه «اهله» جمع «هلال» است. اهلال در لغت به معنای بلندکردن صدا است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۶۱) و ماه را در شب اول و دومی که از تحت الشعاع خورشید خارج می‌شود، هلال می‌گویند؛ چون با دیده شدن آن مردم صدا بلند کرده، آن را به یکدیگر نشان می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۰)؛ ولی بعد از شب هفتم دیگر هلال نمی‌گویند، بلکه قمر می‌خوانند و در شب چهاردهم بدر می‌گویند.

خداوند در پاسخ این سؤال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ؛ بگو این‌ها بیان اوقات طبیعی برای مردم و حج است». هم در زندگی روزانه از آن استفاده می‌کنند و



هم در عبادت‌هایی که وقت معینی در سال دارد. در حقیقت، ماه یک تقویم طبیعی برای افراد بشر محسوب می‌شود که مردم اعم از باسواد و بی‌سواد و در هر نقطه‌ای از جهان باشند، می‌توانند از این تقویم طبیعی استفاده کنند، نه تنها آغاز و وسط و آخر ماه را می‌توان با آن شناخت، بلکه با دقت، شب‌های ماه را نیز می‌توان تشخیص داد. بدیهی است که نظام زندگی اجتماعی بشر بدون تقویم، یعنی یک وسیله دقیق و عمومی برای تعیین تاریخ امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل خداوند متعال برای نظام زندگی، این تقویم جهانی را در اختیار همگان قرار داده است.

اصولاً یکی از امتیازات قوانین اسلام این است که دستورات آن بر طبق مقیاس‌های طبیعی قرار داده شده است؛ زیرا مقیاس‌های طبیعی وسیله‌ای است که در اختیار همگان قرار دارد و گذشت زمان اثری بر آن نمی‌گذارد. برای مثال، اسلام برای تشخیص وقت نماز، طلوع و غروب و زوال خورشید را مطرح کرده است؛ اما مقیاس‌های غیر طبیعی در اختیار همه نیست، حتی در عصر حاضر هنوز همه مردم نتوانسته‌اند از مقیاس‌های جهانی استفاده کنند.

از اینجا امتیاز ماه‌های قمری بر شمسی روشن می‌شود، گرچه هر دو از حرکات کواکب آسمان گرفته شده؛ ولی ماه‌های قمری برای همه قابل مشاهده است، در حالی که ماه‌های شمسی را فقط منجمان تشخیص می‌دهند که مثلاً خورشید در این ماه در مقابل کدام برج آسمانی قرار گرفته است (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰). بنابراین، خداوند این تقویم طبیعی را در اختیار انسان قرار داد و حرکات منظم کره زمین به دور خود و به دور خورشید، و نیز گردش منظم ماه را وسیله‌ای برای نظام زمان‌بندی قرار داده، تا برنامه‌های زندگی اعم از مادی و معنوی، تحت نظام درآید (همان، ص ۱۴). در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا هدف پرسش‌کنندگان از هلال ماه، سؤال از فایده این تغییرات بوده یا سؤال از چگونگی شکل‌های مختلفی که ماه به خود می‌گیرد.

در جمله «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْاَهْلِةِ» شرح نداده که سؤالی که از رسول خدا ﷺ کرده بودند، چه بوده؟ آیا از حقیقت ماه بوده؟ یا از علت اینکه چرا به اشکال مختلف، یعنی هلال، قمر و بدر در می‌آید. همین که کلمه «هلال» در آیه به صورت جمع آمده است، می‌فهماند که سؤال از ماهیت و حقیقت ماه بوده، نه علت اشکال گوناگون آن، چون اگر این گونه بود، مناسب‌تر آن بود که بگوید: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْقَمَرِ»، نه عن الاهلة، و اگر سؤال از حقیقت هلال و سبب شکل‌های متفاوت آن در اول ماه

بود، مناسب‌تر آن بود که بفرماید: «یستلونک عن الهلال»؛ چون دیگر غرضی نداشت که هلال را به صورت جمع بیاورد، از اینکه به صورت جمع آورده، خود دلیل بر این است که سؤال از سبب یا فایده ماه‌های قمری است که به «اهلة» یاد شده، و خداوند هم با این بیان فایده آن را پاسخ فرموده است. همچنین این معنا از جواب استفاده می‌شود که فرمود: «هِيَ مَوَاقِیْتُ لِلنَّاسِ وَ الْحِجِّ...» برای اینکه «مواقیت» عبارت است از زمانی که افعال و کارها در آن انجام می‌گیرد که این زمان همان ماه‌ها است، نه هلال‌ها که شکل و صورت ماه‌اند. بنابراین، مشخص شد که هدف از سؤال پرسش‌کنندگان درباره اهله، موقعیت ماه‌های قمری و علت فواید آن بوده و در پاسخ هم به بیان فواید آن پرداخته شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۰-۸۱).

در علم تحقیقات نجومی ثابت شده است که ماه از خود نوری ندارد، نور را از خورشید می‌گیرد و آن را به زمین بر می‌گرداند. برای برطرف شدن حرارت تابش خورشید از یک نقطه زمین، خداوند گردشی برای زمین قرار داد که خورشید به جای دیگر بتابد و برای شب که خورشید نیست و زمین تاریک است، ماه به سمت جانشینی خورشید در آن محل تعیین گردیده است که نور را از خورشید بگیرد و به زمین بتابد (افتخاریان، ۱۳۶۲، ص ۲۷۵). مردم آن زمان نه گردش ماه به دور زمین در طول یک ماه را می‌دانستند و نه تغییر جهت آن را با خورشید و زمین و زاویه‌های مختلفی که این سه با یکدیگر به وجود می‌آورند. آن‌ها کاملاً از این امور ناآگاه بودند و تفهیم این مسائل برای آن‌ها در آن زمان بسیار مشکل بود. بنابراین، هدف پرسش‌کنندگان از هلال ماه فایده این تغییرات بود. به همین دلیل، پیامبر ﷺ از فلسفه و فایده آن سخن گفته است، نه از علت آن (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۳۳).

در واقع، مردم آن روز از درک سبب طبیعی اختلاف و تغییر در شکل ماه که نیاز به بررسی و تحقیق طولانی و عمیق و مقدمات علمی زیادی دارد، ناتوان بودند (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۲۱)؛ اما امروزه علم به مراحل مهمی از پیشرفت و ترقی رسیده که پیش از این ذهن بشر به آن دست نیافته بود (جمیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۰). بنابراین، قرآن در چهارده قرن قبل مطالب علمی را آورده که دانشمندان علوم تجربی قرن‌ها بعد آن را کشف کرده‌اند که این کشف دو چیز را نشان می‌دهد: ۱. قرآن، کلام بشر عادی نیست؛ بلکه از ناحیه خداست؛ ۲. انسان‌های عادی در عصر نزول نمی‌توانستند این مطالب علمی را بیابند،

همان طور که اکنون نیز یک انسان عادی نمی‌تواند کشفیات علوم تجربی چند قرن بعد را بیاورد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۶۰۰). بنابراین، گرچه آیه به دلیل سطح علمی و فکر مردم زمان خود، پاسخ آنها را بیان نموده است؛ با این وجود شامل معارف و حقایق علمی است که از نظر آن‌ها پنهان بوده و با توجه به پیشرفت زمان دانشمندان به آن پی برده‌اند.

البته قرآن کتاب اکتشافات علمی نیست؛ بلکه کتاب هدایت است و فرود آمده تا مردم را از تاریکی‌های جاهلیت بیرون آورده، به نور هدایت اسلام برساند؛ اما چون کتابی است که به گذشته، حال و آینده احاطه دارد، توانسته است صدها سال در مقام کشف حقایق علمی در زمینه‌های مختلف از تجارب بشر، جلوتر رود و این نشانگر محتوای عمیق آیات قرآن است (صدر، ۱۳۸۱، ص ۴۹).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت چون مردم آن زمان در زندگی روزمره خود به یک تقویم نیاز داشتند تا برنامه‌های خود را بر اساس آن تنظیم کنند و در این مورد از پیامبر اکرم ﷺ درباره فایده تغییر ماه سؤال کردند، آیه نیز به بیان فواید آن پرداخته و این بیانگر تطبیق آیات با واقعیات زندگی است که اختصاص به زمان و مکان ندارد و برای هدایت بشر تا قیامت نازل شده است.

۲. شبهه اقتباس از کتب پیشین و تکرار مطالب آن‌ها

۲-۱. طرح شبهه

ایراد دیگری که معاندان مطرح کرده‌اند تا ادعای خود مبنی بر کم محتوایی قرآن را اثبات کنند، این است که: «تکراری بودن قرآن [تکرار مطالب قرآن در خود قرآن] دلیلی مهم بر کم محتوایی بودن قرآن است. [حضرت] محمد چیزهای محدودی از کتب مقدس یهود و مسیحیان گرفته بود و چیزهای مختصری هم از فرهنگ خود یا فرهنگ‌های دیگر به گوشش خورده بود. طبعاً در آن دوران عقب افتادگی و آن هم در محیط عربستان، که یکی از عقب افتاده‌ترین نقاط زمین بود، چیز زیادی برای آموختن یافت نمی‌شد. حال [حضرت] محمد می‌خواست این حکایت‌ها و نکات محدود را در عرض ۲۳ سال برای مردم بگوید، طبعاً چاره‌ای جز تکرار پی در پی آن‌ها را نداشت و این دلیل روشنی بر این است که قرآن کار [حضرت] محمد است، نه خدا. علم خدا که محدود و ناچیز نیست» (سها، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

۲-۲. پاسخ شبهه

قبل از پاسخ به این شبهه توجه به این نکته ضروری است که در اینجا دو شبهه مطرح شده است: یکی، شبهه تکرار مطالب قرآن در خود قرآن که محل بحث ما نبوده و در جای خود پاسخ داده شده است (جوادی جهانگیر، ۱۳۹۷) و دیگری، بحث اصلی مقاله و تبیین این شبهه که مطالب و معارف قرآن از کتب مقدس یهود و مسیحیان اقتباس شده و چیزهای مختصری هم از فرهنگ معاصر پیامبر ﷺ به آن ضمیمه شده و به دلیل سطح فکری مردم و محتوای کتب عهدین، در سطح نازلی قرار داشته، کم محتوا و بشری است. این شبهه با دلیل نقضی و عقلی و نیز در نگاه درون دینی با بیان ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن پاسخ داده می‌شود و محتوا و معارف عالی و الهی بودن قرآن اثبات خواهد شد.

۲-۲-۱. پاسخ نقضی

بررسی کتاب نقد قرآن نشان می‌دهد در ادعای یاد شده نویسنده شاهدی را برای آنکه بر پیامبر چیزی وحی نشده و او مطالب قرآن را عیناً از کتب مقدس یهود و مسیحیان اقتباس کرده، نیاورده است. چنین ادعایی مسلماً نیازمند دلایل قوی و مستند است. البته خود قرآن کریم بر مصدق بودن و مهمن بودن قرآن بر سایر کتب آسمانی تأکید دارد که نشان دهنده آن است که از یک منبع واحد سرچشمه گرفته‌اند و اینکه برخی مطالب قرآن همسو با تعالیم سایر کتب آسمانی باشد، نقیصه‌ای بر قرآن وارد نمی‌کند.

۲-۲-۲. پاسخ عقلی

عقل حکم می‌کند قرآن که برنامه زندگی و آخرین کتاب آسمانی است، در مقایسه با کتب آسمانی پیشین، کامل‌ترین، والاترین، دقیق‌ترین و عمیق‌ترین تعالیم را در اختیار بشر قرار دهد و اگر چنان نکند و همان مطالب آن‌ها را همراه با مطالبی از فرهنگ جزیره العرب ارائه کند، نقض غرض کرده است.

۲-۲-۳. پاسخ نقلی: ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن کریم

با استناد به شواهد قرآنی درباره ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن نیز می‌توان این شبهه را به صورت مبنایی پاسخ داد.

قرآن کریم معجزه جاودان پیامبر اکرم ﷺ و آخرین کتاب آسمانی و الهی است که به عنوان تنها

رسالت جهانی و یگانه سند نبوت پیامبر ﷺ و منبع اصلی هدایت بشر نازل شد و به زمان و مکان خاصی محدود نیست. علت اینکه قرآن به عنوان سند زنده حقانیت پیامبر اکرم ﷺ و معجزه بزرگ او از میان تمام معجزاتش برگزیده شده، این است که قرآن معجزه‌ای گویا، جاودانی، جهانی و روحانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۲۹) و نیز در تبیین معارف خویش از گزند هر گونه ابهام و آسیب ایمن است (اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۷۶). در ذیل به تبیین ویژگی‌های قرآن پرداخته می‌شود.

الف. جامعیت قرآن

جامعیت و فراگیر بودن قرآن، وجه تمایز آن با کتب آسمانی پیشین است. قرآن کریم کتابی آسمانی و جامع بوده و در آن به همه علوم و معارف بشری، در همه عرصه‌های زندگی مادی و معنوی توجه شده است که با مراجعه و عمل به آن، سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین می‌شود (ایازی، ۱۳۸۰، ص ۵۹)؛ زیرا خداوند حکیم آدمی را برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت جاودانه آفریده است (راد، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵-۲۵۶).

با توجه به اینکه پیامبر اکرم ﷺ کامل‌ترین انسان‌ها و برترین پیامبران بوده است و شریعت ایشان آخرین مرحله برنامه الهی برای بشر است؛ پس قرآن کریم در برابر سایر کتاب‌های آسمانی، جامعیت دارد. یکی از ویژگی‌هایی که قرآن برای خود می‌شمارد، گستردگی امور در آن است؛ از جمله می‌فرماید: ﴿وَتَزِّنَا لَكُمْ فِيهِ لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم ﴿(نحل: ۸۹). در این آیه به جامعیت قرآن تأکید شده است و می‌فرماید قرآن بیانگر هر چیزی است؛ یعنی هیچ کمبودی در بیان مطالبی که جزء معارف دین است ندارد و مطالبی که مردم از دین انتظار دارند و سخنی از آن‌ها به میان نیآورده است، می‌توانند با دقت و تأمل و مراجعه به اهلش به دست آورند (ایازی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مَا فَزَّنَّا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾؛ ما هیچ چیزی را در این کتاب فروگذار نکرده‌ایم ﴿(انعام: ۳۸).

از طرف دیگر، خداوند، شریعت‌ها را به تدریج برای بشر فرو فرستاد تا وی را گام به گام به سعادت و کمال حقیقی‌اش رهنمون کند. قوانین و احکام لازم برای این منظور، از دینی به دین بعد، کامل‌تر



شد و در شریعت اسلام کمال یافت. بر اساس حکم عقل، دین خاتم نمی‌تواند ناقص باشد؛ زیرا خاتمه دادن به دینی که کامل نیست، نقض غرض در هدایت بشر به سعادت واقعی او است. از سوی دیگر، کمال دین، با جامعیت آن ملازم است و هیچ‌گاه نمی‌توان دینی را بدون آنکه جامع باشد، کامل دانست (راد، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵-۲۵۶).

با توجه به اینکه قرآن یک کتاب تربیت و انسان‌سازی است، برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است و تمام اموری که برای پیمودن این راه لازم است، در آن بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۳۶۱)؛ اما در کتب آسمانی دیگر، همه اندرزها و مسائل لازم وجود ندارد؛ چرا که آیین آن‌ها آخرین دین الهی و کامل‌ترین آیین نیست و به مقدار استعداد مردم آن زمان، قوانینی برای آن‌ها نازل شده بود (همان، ج ۶، ص ۳۶۴).

ب. جاودانگی قرآن

جاودانگی قرآن نیز امتیاز و فضیلتی است که فقط برای قرآن ثابت شده است و سایر کتب آسمانی از این خصیصه بی‌بهره بوده‌اند و این مطلب نشان می‌دهد که مطالب قرآن تماماً تکرار مطالب کتب آسمانی پیشین نیست.

قرآن مرز زمان و مکان را در هم شکسته و مافوق آن‌ها قرار گرفته است؛ به دلیل اینکه کارهای اعجاز‌آمیزی که از پیامبران پیشین نقل شده، عموماً در گستره معینی از زمان و مکان قرار دارد، مانند سخن گفتن نوزاد حضرت مریم علیها السلام در گهواره یا اینکه حضرت موسی علیه السلام بدون وسیله معمولی از دریا می‌گذرد. این گونه امور خارق‌العاده در مدار معینی از زمان و در برابر عده خاصی صورت گرفته است. بنابراین، برای کسانی که شاهد و ناظر این جریانات نبوده‌اند، جنبه حسی نداشته است. البته در زمان‌های نزدیک به زمان وقوع این حوادث، چون فاصله زمانی کم بوده و تعداد نقل‌کنندگان آن زیاد بوده‌اند، ممکن است برای دیگران به صورت یک خبر قطعی باشد.

ولی قرآن کریم، به زمان و مکان بستگی ندارد، همچنان به همان صورتی که ۱۴۰۰ سال قبل در محیط تاریک حجاز تجلی کرد، امروز بر ما تجلی می‌کند؛ بلکه گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش به ما امکاناتی داده که بتوانیم استفاده بیشتری از آن نسبت به مردم اعصار گذشته بنماییم، پیدا است هر چه رنگ زمان و مکان به خود نگیرد تا ابد و در سراسر جهان پیش خواهد رفت. بدیهی است

که یک دین جهانی و جاودانی باید یک سند حقانیت جهانی و جاودانی هم در اختیار داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۲۶).

علاوه بر اسناد تاریخی مبنی بر عدم تحریف این کتاب آسمانی و باقی ماندن اصل آن از هنگام نزول قرآن تا کنون، برخی از آیات قرآن کریم بر جاودانگی این کتاب الهی دلالت می‌کند: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهدارنده آن خواهیم بود﴾ (حجر: ۹). خداوند متعال بر اساس این آیه، حفظ و نگهداری قرآن را بر عهده گرفته و آن را از هر نوع گزند مصون و محفوظ می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۰۱).

همچنین حضرت علی علیه السلام درباره جاودانه بودن قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَيْبِقُ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي عَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِه؛ همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸). این عبارت امام بر استمرار و جاودانگی قرآن دلالت می‌کند.

در نتیجه، خداوند متعال خود عهده‌دار حفاظت از قرآن گردیده و صیانت از آن را به هیچ کس دیگری نسپرده است و همچون دیگر کتاب‌های آسمانی نیست که خداوند مواظبت از آن‌ها را به پیروانشان سپرده باشد. در واقع، تورات بر روی لوحه‌هایی نوشته می‌شده و توسط پیروان آن در حافظه نگهداری نمی‌شد و پس از آنکه در معرض آتش سوزی ناشی از هجوم بردن بابلیان بر بنی اسرائیل قرار گرفت، همه آن لوحه‌ها از میان رفتند و مفقود شدند. بعد از این، هیچ کس همه تورات را از حفظ نداشت؛ بلکه مطالبی را سرهم کردند و مدعی شدند که این همانی است که خداوند آن را نازل کرده است (رک: قرضاوی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۹-۵۰).

ج. جهانی بودن قرآن

جهان شمول بودن قرآن نیز نشان می‌دهد تعالیم قرآنی فراتر از تعالیم کتب آسمانی دیگر است که برای پیروان خود و در مدت زمان خاصی نازل شده است. پیام قرآن کریم مختص گروه و منطقه خاصی نیست؛ بلکه جهان شمول و هدیه الهی برای تمام بشر است و با نزول قرآن پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین به این کتاب الهی ایمان آوردند (کریمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵).



آیه شریفه ذیل با صراحت جهان شمولی قرآن کریم را بیان می‌کند: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ آن قرآن جز یادآوری برای جهانیان چیز دیگری نیست» (انعام: ۹۰).

در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه شریفه: «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنَّكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام: ۱۹) پرسیدند، حضرت در جواب فرمودند: «یعنی اهل هر ملت و زبانی که باشد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۲). این روایت دلالت می‌کند که در انداز قرآن زبان و ملت خاصی مطرح نبوده و همه انسان‌ها از هر نژاد، زبان و ملیتی که باشد، شامل می‌شود و این بر جهانی بودن قرآن کریم دلالت می‌کند. در صورتی که هر یک از کتاب‌های آسمانی دیگر برای زمانی معین و رسالتی مشخص و برای یک قوم و ملت به خصوص فرود آمده بودند (رک: قضاوی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۳).
اصل هدایت مخلوقات، از جمله انسان، به مقتضای حکمت و ربوبیت الهی بر خداوند لازم است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ؛ به یقین هدایت کردن بر ماست» (لیل: ۱۲). هدایت الهی بر دو گونه است:

۱. هدایت تکوینی؛ یعنی رساندن موجودات به نیازهای خود، چنانکه فرموده است: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ؛ خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است» (طه: ۵۰).

۲. هدایت تشریحی؛ که شامل انسان‌ها می‌شود. حال به اقتضای حکمت و ربوبیت دائم و همیشگی خدا، این هدایت، دائم و همیشگی است. دوام هدایت الهی اقتضا می‌کند که قرآن کریم که متقن‌ترین و اصیل‌ترین منبع هدایت بشر است، معارف، اخلاق و احکامش همواره بشریت را بهره‌مند کند. قرآن کریم در قالب معجزه لفظی و معنوی (علمی) با هدف تربیت و هدایت همواره و همیشگی بشر نازل شده است (عارفیان، ۱۳۸۲، ص ۸).

د. تحدی قرآن

قرآن کریم معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله و آخرین کتاب آسمانی است و برای اثبات اعجاز خود همه انس و جن را در تمام ویژگی‌های قرآن، اعم از فصاحت و بلاغت، عمق محتوای معارف، هماهنگی و عدم اختلاف در آیات آن و دیگر اوصاف کمالی‌اش، به مبارزه و هموردی فراخوانده است. همچنین از کسانی که در حقانیت و بی‌مانندی آن شک دارند، می‌خواهد که همانند آن را بیاورند و در نهایت از



عجز دائمی و ناتوانی انسان‌ها و جنیان در هم‌آوردی با قرآن خبر می‌دهد: ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ لَهُمْ لِيَبْعُضِهِمْ ظَهِيرًا﴾؛ بگو: اگر انسان‌ها و جن و انس اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند (اسرا: ۸). قرآن در تمام زمینه‌های معرفت بشری، تحدی می‌کند و عام بودن این تحدی اثبات‌کننده اعجاز قرآن در همه زمینه‌های یاد شده است و این امر دلالت می‌کند که جامعیت قرآن شامل همه زمینه‌های معرفتی بشر می‌شود (رک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۹). ناتوانی انسان‌ها و جنیان در هم‌آوردی قرآن کریم بزرگ‌ترین برهان و قوی‌ترین دلیل بروحی بودن قرآن از سوی خداوند است و این را اثبات می‌کند که حتی آوردن مثل یک سوره قرآن از قدرت بشر خارج است (خویی، ۱۳۸۷، ص ۶۲).

بنابراین، تاریخ گواه است که قرآن کریم از آوردن مثل و تحریف در امان مانده است؛ اما تورات و انجیل نه! و نیز مطالب بسیاری به متون اصلی آن وارد شده و سطح معارف آن را تنزل داده است. این امر، دلالت بر الهی بودن قرآن، این کتاب آسمانی دارد.

ه. نزول تدریجی قرآن

قرآن کریم در مدت بیست و سه سال بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و ایشان در این مدت، به تدریج احکام و معارف را برای مسلمانان بیان می‌کردند. روش قرآن کریم در تدریجی بودن برخلاف تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی بود که یک باره نازل می‌شد. این امر سبب شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان همواره خود را در سایه عنایت الهی ببینند و در مسیر دین، دچار لغزش نشوند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْتٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾؛ و قرآن را بخش‌بخش بر تو نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم (اسرا: ۱۰۶). قرآن به تدریج و به آرامی برای مردم خوانده شده است تا به راحتی آن را یاد بگیرند و به آن عمل کنند (ابازی، ۱۳۸۱، ص ۲۰). بنابراین، با توجه به اینکه مطالب قرآن به تدریج و بر اساس حوادث و نیازهای مردم نازل می‌شد و مرتبط با متن زندگی مردم بود، چگونه می‌تواند برگرفته از تورات و انجیل باشد!

و. معارف بلند قرآن

قرآن کریم به عنوان کتاب دین خاتم به آخرین درجه از رشد و کمال خود رسیده است و تا پایان

جهان، احتیاج به نزول کتاب آسمانی دیگر نمی‌باشد و چون به نهایی‌ترین مرحله کمال نائل آمده است؛ پس از جهت ذاتی و درونی احتیاج به تکمیل دوباره ندارد. تنها کمال قرآن به این نحو قابل تصور است که با پیشرفت علم، انسان از اسارت جهل آزاد می‌شود و از ادراک بیشتری برخوردار می‌شود و به حقایق از قرآن پی می‌برد که برای گذشتگان روشن نبوده است یا برخی حقایق آن را دقیق‌تر و کامل‌تر از گذشتگان می‌فهمند. به همین دلیل قرآن کریم انسان را به تدبر در آیات الهی فرا می‌خواند؛ و این امر بیانگر استعداد پایان‌ناپذیر قرآن کریم است. در طول چهارده قرن با آنکه در هر زمانی هزاران متخصص و کارشناس روی آن کار کرده‌اند، باز از نظر تحقیق و کشف و استنباط پایان‌ناپذیر است (رک. مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹).

در بسیاری از آیات قرآن کریم به صراحت به این نکته اشاره شده است که پیامبر ﷺ فردی امی بود؛ یعنی نزد کسی تعلیم ندیده بود و با این حال، او کتابی پر از معارف گرانقدر و ارزشمند آورد که از آن تاریخ تا کنون دانشمندان را مبهوت و متحیر کرده است و این بهت زدگی پایان‌پذیر نیست؛ بلکه برای اندیشمندان آینده نیز ادامه خواهد داشت و این یکی از بزرگ‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن است. معارف بلند قرآن، مورد اعتراف اندیشمندان نیز قرار گرفته است، مانند موریس بوکای پزشک و محقق فرانسوی به اینکه قرآن کتابی نازل شده از طرف خداوند است ایمان نداشته، ولی به دور از هر گونه تعصب و پیش‌داوری به مقایسه قرآن و کتب مقدس پرداخت و مسلمان شد. همچنین زبان عربی فصیح قرآنی بهترین قالب موجود در دنیا است که می‌تواند واجد همه شرایط باشد و هیچ زبان دیگری نمی‌تواند چنین محتوایی عظیم را در قالب خود جای دهد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۷۲). امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بَيِّنُ الْأَلْسُنَ وَلَا تُبَيِّنُهُ الْأَلْسُنُ؛ زبان عربی بیانگر محتوای تمام زبان‌هاست؛ اما هیچ زبانی بیانگر محتوای آن نیست» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۷۷).

با توجه به ویژگی‌های گفته شده به قطع می‌توان گفت که قرآن کریم از کتب پیشین اقتباس نشده است؛ زیرا در این کتاب‌ها (کتب عهدین) تحریف صورت گرفته و دست خیانتکار بشر در آن وارد شده است. شواهد تاریخی و ادله دیگر نیز نشان می‌دهد که تورات و انجیل اصلی از بین رفته و فقط قسمت‌هایی از آن دو کتاب آسمانی را پیروان حضرت موسی و عیسی علیهما السلام مدت‌ها بعد از وفات آن‌ها نوشته‌اند که آن هم متأسفانه با خرافات فراوان آمیخته شده است و مطالب سخیفی در آن‌ها وجود

دارد که در شأن کتاب‌های آسمانی نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۲۲).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم معجزه‌ای جاودان است که در طول بیست و سه سال از طرف خداوند بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است و جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب الهی در میان مجموعه کتب آسمانی است. این کتاب مبین خصایص و امتیازات منحصر به فردی دارد که این خصایص به نوعی یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم محسوب می‌شود. به دلیل آنکه قرآن کریم خود را کتابی برای همه مردم جهان معرفی می‌کند، از همه انسان‌ها برای حقانیت قرآن دعوت به تحدی و مانند آوردن آن می‌کند و این تحدی به دلیل جاودانگی قرآن شامل همه انسان‌ها در همه اعصار می‌شود و در نهایت از عجز و ناتوانی آن‌ها خبر داده است. از آنجا که قرآن کریم تبیان کل شیء است، برای تبیین معارف و حقایق عالم نازل شده و معارف و حقایق قرآن و جهان ثابت و غیر قابل تغییر است. از طرفی، مفاهیم قرآن از عمق و ژرفای بی‌نهایت برخوردار است که از این جهت به آن جاودانگی می‌بخشد و اندیشمندان نیز در هیچ عصری معارف و مفاهیم آن را پایان یافته نمی‌دانند. بنابراین، قرآن کریم از کتب آسمانی پیشین اقتباس نشده است؛ بلکه از جانب خداوند بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و محصول بشری آن گونه که ادعا دارند نیست.

فهرست منابع

*قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

الف. کتاب‌ها

۱. اصفهانی، سید عبدالله (۱۳۹۳)، درسنامه تفسیر موضوعی قرآن کریم، چاپ اول، تهران: دانشکده علوم و فنون قرآن.
۲. افتخاریان، سید جواد (۱۳۶۲)، قرآن و علوم روز، تهران: افتخاریان.
۳. _____، ۱۳۸۰، جامعیت قرآن، چاپ سوم، قم: کتاب مبین.
۴. _____، ۱۳۸۱، قرآن اثری جاودان، چاپ اول، تهران: مؤسسه پژوهش‌های قرآنی.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، ناطق قرآن، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۶. جمیلی، سید (۱۳۸۶)، اعجاز علمی قرآن، ترجمه فاطمه مشعل‌لوی و کاظم مطلق، چاپ اول، قم: فراگفت.
۷. خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، البیان فی تفسیر قرآن، ترجمه جعفر حسینی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب.
۸. راد، علی (۱۳۹۰)، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن: با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسأل و رومی، چاپ اول، تهران: سخن.
۹. سها (۱۳۹۱)، نقد قرآن، بی‌جا: بی‌نا.
۱۰. صدر، محمدباقر (۱۳۸۱)، سنت‌های تاریخ در قرآن، به کوشش جلال‌الدین موسوی اصفهانی، چاپ سوم، تهران: تفاهم.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه اکبر غفوری و علی عبدالحمیدی، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۱۵. _____ (۱۴۰۶)، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۱۶. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۷. قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲)، قرآن منشور زندگی، به کوشش عبدالعزیز سلیمی، چاپ اول، تهران: احسان.
۱۸. کریمی، مصطفی (۱۳۹۰)، جامعیت قرآن کریم پژوهشی در قلمرو موضوعی قرآن، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دایرة المعارف قرآن کریم، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، خاتمیت، چاپ دوازدهم، قم: صدرا.
۲۱. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۳. _____ (۱۳۹۵)، توطنه جدید: پاسخ به شبهات قرآنی، قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۲۴. _____ (۱۳۷۵)، قرآن و آخرین پیامبر، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ب. مقاله‌ها

۲۵. عارفیان، عبدالحمید (۱۳۸۲)، «جاودانگی و حقیقت وحی»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان.

ج. پایان‌نامه‌ها

۲۶. جوادی جهانگیر، هاجر (۱۳۹۷)، بررسی شبهات قابل فهم بودن قرآن با تکیه بر کتاب نقد قرآن، استاد راهنما: دکتر سکینه آخوند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

